

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال هشتم، شماره‌ی سی‌ودوم، تابستان ۱۳۹۶، صص ۸۰-۵۹

تحولات مفهومی و تاریخی دو اصطلاح «مناظره» و «مذاکره» در قرون نخستین اسلامی

احمد عسگری^۱، علیرضا اشتری تفرشی^۲، ولی‌اله برزگر کلیشمی^۳، فاطمه احمدوند^۴

چکیده

دو اصطلاح مناظره و مذاکره، از ریشه‌های نَظَرَ و ذَكَرَ، کاربردهای فراوانی در متون و منابع اسلامی مختلف داشته‌اند. این پژوهش بر آن است تا ضمن شاخص‌بندی کاربردها و معانی این دو اصطلاح، به بررسی شواهد و مصداق‌های تاریخی ویژه‌ای بپردازد که نشان می‌دهد این دو، به ویژه اصطلاح مناظره، در ادوار مختلف سیر تحولی مفهومی داشته‌اند و عدم شناخت از مصداق‌های هر مفهوم موجب خلط معانی آنها با دیگر مواضع معنایی این واژگان بوده و هست. از سوی دیگر، این پرسش نیز مطرح است که در سیر تحول تاریخی، مناظره و مذاکره دقیقاً به چه مجالسی اطلاق می‌شده است؟ در اینجا ضمن تعریف دقیق معانی لغوی و سپس اصطلاحی این دو، پیچیدگی‌های اصطلاحی و تحولات تاریخی آنها روشن خواهد شد. روش اصلی در این پژوهش، بررسی تطبیقی و مقایسه‌ای این دو اصطلاح و مفاهیم آنها و تحلیل داده‌های تاریخی موجود خواهد بود. با چنین پژوهشی، شناختی جامع از معانی لغوی و کاربردهای اصطلاحی این دو اصطلاح پرکاربرد که قرن‌ها در متون مختلف اسلامی و در شاخصه‌های گوناگون و گاه در شرایطی بسیار خلط‌پذیر و مبهم از نظر تفسیرگرایی متنی به کار رفته‌اند، حاصل خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: مذاکره، مناظره، تعلیم و تربیت اسلامی، تشیع امامی، کلام، جدل

۱. کارشناس ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین.
(ahmadasgar64@yahoo.com)

۲. استادیار گروه تاریخ تشیع، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار. (a.tafreshi@hsu.ac.ir) (نویسنده
مسئول)

۳. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین.
(v.barzegar@isr.ikiu.ac.ir)

۴. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین.
(ahmadvand@isr.ikiu.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۲/۳۰ تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۱/۲۸

مقدمه

پژوهش تاریخی و معناشناسانه در باب اصطلاحات کاربردی در متون اسلامی می‌تواند راهگشای شناخت دقیقی از ابعاد مهم این میراث مکتوب باشد. نگاهی به منابع مختلف اسلامی نشان می‌دهد که چون دو اصطلاح مذاکره و مناظره، از ریشه‌های نَظَرَ و ذَكَرَ، در شاخه‌های تاریخی متنوع و در مصادیق مفهومی پرکاربرد استفاده شده‌اند، عدم شناخت دقیق سیر تحولات مفهومی، شاخه‌ها و مصادیق آنها موجب شده درک معانی درست کاربردی‌شان در بسیاری مواضع دشوار باشد؛ چنان که گاه حتی این دو اصطلاح را با یکدیگر خلط کرده‌اند.^۱ لذا در این پژوهش شاخه‌ها، دسته‌بندی‌ها، مجالس تاریخی مربوط به هر یک از این دو اصطلاح و مواضع خلط‌شده یا خلط‌پذیر آنها مورد پرسش و بررسی ما قرار می‌گیرد.^۲ در گذشته، معانی کاربردی این اصطلاحات بیشتر مورد توجه لغویان به منظور تبیین بهتر معنای یک واژه بوده که در عصر حاضر نیز زبان‌شناسان و همچنین پژوهشگران دینی به دلیل محوریت داشتن متن و به منظور فهم درست واژگان در عصر پدید آمدن متن، پژوهش‌های قابل توجهی را در خصوص شناخت و اهمیت معانی مصداقی واژگان و تطور آنها انجام داده‌اند^۳ و این پژوهش نیز به درک کاربردهای تاریخی معانی مصداقی واژگان مناظره و مذاکره خواهد پرداخت و این مهم با پژوهش‌های تاریخی

۱. یونس کرامتی (۱۳۹۰)، «تعلیم و تربیت»، *دایرةالمعارف بزرگ اسلام*، ج. ۱۵، زیر نظر کاظم بجنوردی، تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، ص. ۶۲۵؛ عبدالرحیم غنیمه، (۱۳۶۴)، *تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی*، ترجمه نورالله کسایی، تهران: یزدان، ص. ۲۶۲.

۲. بحث از مناظره و مذاکره به عنوان اشکال روشمندی از دیالکتیک سنتی اسلام، اهمیت بسزایی در تاریخ اندیشه بشری دارد. حتی امروزه نیز بحث از این موضوع در آراء کسانی چون یورگن هابرماس، آخرین چهره مشهور از مکتب انتقادی فرانکفورت، در قالب بحث‌هایی چون کنش مفاهمه، شیوه‌های دیالکتیکی و نظریه کنش ارتباطی قابل بررسی است، هرچند تطبیق این الگوهای فکری ناظر به دوران مدرنیسم و پسامدرنیسم با میراث سنتی و کلاسیک تمدن اسلامی خود پژوهش‌های مستقلی را می‌طلبد (برای مطالعه بیشتر نک. یورگن هابرماس، (۱۳۹۲)، *نظریه‌ی کنش ارتباطی*، ترجمه کمال یولادی، تهران: مرکز).

۳. نک. فرانک رابرت پالم، (۱۳۶۶)، *نگاهی تازه به معناشناسی*، ترجمه کورش صفوی، تهران: مرکز؛ میثم اکبرزاده، «تطور معنایی واژگان و تأثیر آن بر فهم مفسر از منظر هرمنوتیکی»، *مطالعات قرآنی و روایی*، س. ۱، ش. ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۱، صص. ۹-۳۲.

موجود در باب این اصطلاحات مانند تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی نوشته عبدالرحیم غنیمه، نهاد آموزش اسلامی اثر منیرالدین احمد و مدخل «مناظره» در دایرةالمعارف انگلیسی اسلام به قلم ای. واگنر که همگی مورد استفاده این پژوهش بوده‌اند، متفاوت است.

۱. مناظره و مذاکره از نظر لغوی

در معتبرترین متن اسلامی، قرآن، اشاراتی به ریشه‌های این دو واژه را می‌بینیم که بعدها در تفاسیر قرآنی نیز منشأ نظرات تفسیری فراوانی بوده است. در سنت قرآنی، واژه ذَکَر ریشه‌ای تقریباً پرکاربرد است که ۶۳ بار عیناً و جمعاً ۲۹۲ بار با مشتقات خود در قرآن به کار رفته است. معانی اصلی در این کاربرد، یادآوری و یاد کردن است، اما مفسران آن را در طیف وسیعی از معانی مانند نماز، دعا، قرآن، تورات و... به کار برده‌اند.^۱ در برابر، ریشه نَظَرَ تنها چند کاربرد محدود در قرآن دارد و در همه موارد نیز به معنای مصدر دیدن به کار رفته است.^۲ با وجود این هم‌ریشه‌ها، واژگان مناظره و مذاکره عیناً در قرآن به کار نرفته‌اند، هرچند برخی آیات به مجالسی اشاره دارند که در حقیقت با کاربردهای مفهومی اصطلاحی چون مناظره، یعنی گفتگویی جدلی میان دو دیدگاه، بی‌ارتباط نیست.^۳ در عین حال، واژه مجادله و مشتقات آن که در برخی متون مترادف مناظره شناخته و یا استعمال شده،^۴ در قرآن ۲۹ بار به کار رفته و در مواردی می‌توان از آن معنای مناظره را متصور شد،^۵ هرچند بار معنایی مجادله در بُعد تخاصم آراء شدیدتر است. در قرآن، به رغم داشتن برخی معانی

۱. برای اطلاع بیشتر، نک. سهراب مروتی و سارا ساکی، «معناشناسی واژه ذکر در قرآن کریم»، آموزه‌های قرآنی، ش. ۱۷، بهار و تابستان ۱۳۹۲، صص. ۱۳۵-۱۵۴.

۲. توبه: ۱۲۷؛ محمد (ص): ۲۰؛ المدثر: ۲۱.

۳. برای نمونه نک. بقره: ۳۰-۳۳ (گفتگوی خداوند و فرشتگان در باب آفرینش انسان).

۴. ابن منظور، (۱۴۱۴ ق.)، لسان العرب، ج. ۱۱، بیروت: دار صادر و دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع، ص. ۱۰۵؛ ناصر مکارم شیرازی، (۱۴۲۱ ق.)، الأمل فی تفسیر کتاب الله المنزل، ج. ۸، قم: کتابخانه امام علی، ص. ۳۲۵.

۵. نحل: ۱۲۵؛ کهف: ۵۶.

دیگر،^۱ مجادله در معنای ستیز کلامی و جرّ و بحث کاربرد زیادی دارد^۲ و معنای آن تا اندازه زیادی به معنای رایج اصطلاح مناظره نزدیک است.^۳ در قرآن کریم، از واژه «مراء» نیز به جای مناظره استفاده شده است.^۴ همچنین، از نظر کاربردی، قرآن برای مجادله توصیه‌هایی اخلاقی و نیز روایت‌هایی از مناظرات گذشته دارد.^۵

در لغت‌نامه‌های کهن عربی، مذاکره و مناظره بر وزن مفاعله هستند و چون معنای غالب باب مفاعله مشارکت است، به نظر می‌رسد این واژگان که بار «بیان» نیز دارند، برای بیان اطلاع و موضوعی دست‌کم بین دو نفر استعمال شوند. مناظره از ریشه «نظر» به معنای برابر کردن، هم‌پایه کردن، تشبیه کردن، رقابت کردن، هم‌چشمی کردن، مناظره کردن، بحث کردن و نظارت داشتن است.^۶ در باب ریشه نظر، راغب اصفهانی آن را به معنای گرایش دید برای فهماندن، رؤیت یک چیز و نیز شناخت به دست آمده از جستجو دانسته است.^۷ در کتاب العین فراهیدی، نظر به دو معنای «دیدن» (به چشم) و «توجه داشتن» (نوعی درک و فهم دورنی) آمده است.^۸ لغویان نظر را تأمل کردن در چیزی به واسطه چشم و دیدن و یا

۱. هود: ۳۲، ۷۴؛ نحل: ۱۱۱، ۱۲۵؛ مجادله: ۱؛ لقمان: ۲۰؛ کهف: ۵۶؛ عنکبوت: ۴۶؛ نساء: ۱۰۷، ۱۰۹.

۲. بقره: ۱۹۷؛ غافر: ۴، ۵، ۳۵، ۵۶، ۶۹؛ شوری: ۳۵؛ زخرف: ۵۸؛ انعام: ۲۵، ۲۱؛ انفال: ۶؛ رعد: ۱۳؛ حج: ۶۸.

۳. نک. راغب اصفهانی، (بی تا)، مفردات ألفاظ القرآن، ج. ۱، تصحیح صفوان عدنان داوودی، بیروت: دار القلم، ص. ۸۱۴.

۴. کهف: ۲۲.

۵. نک. محبوب مهدویان و کبری رحیم‌زاده، «شیوه آموزشی مناظره در قرآن و سنت»، منهاج، س. ۶، ش. ۱۰، بهار و تابستان ۱۳۸۹، صص. ۱۴۳-۱۵۹؛ محبوب غلامی، معصومه غلامی و دیگران، «آسیب‌شناسی و آسیب‌زدایی مراء از منظر قرآن و روایات»، پژوهش‌نامه معارف قرآنی، س. ۷، ش. ۲۴، بهار ۱۳۹۵، صص. ۵۷-۸۲.

۶. آذرتاش آذرنوش، (۱۳۸۸)، فرهنگ معاصر عربی-فارسی، ج. ۱۰، تهران: نی، ص. ۶۹۷.

۷. مفردات ألفاظ القرآن، ج. ۱، ص. ۸۱۲.

۸. خلیل بن احمد فراهیدی، (۱۴۰۹ ق.)، العین، ج. ۸، قم: هجرت، ص. ۱۵۴.

نگاه همراه با تأمل، دقت و تدبّر نیز دانسته‌اند.^۱ در باب واژه مناظره، ایشان می‌گویند: «مناظره آن است که همراه برادرت در چگونگی به وجود آمدن امری به گفتگو بپردازی»،^۲ نیز چانه‌زنی در امری را مناظره می‌دانند.^۳ در تعریف اول، بحث ناشی از تفکر و تأمل در فرایندی جمعی به وضوح دیده می‌شود. ابن‌منظور مناظره را به معانی مجادله،^۴ مخاصمه لفظی،^۵ مواضعه^۶ و همچنین در توضیح واژه «مراء» به معنای گفتگو در یک امر مشکوک دانسته است.^۷ از این معانی، مجادله و مخاصمه مفهوم تقابل و اختلاف را در امر مورد مناظره نشان می‌دهد و مواضعه نشان‌دهنده موضوع محور بودن آن است.^۸

در باب اصطلاح دیگر، یعنی مذاکره، فرهنگ معاصر آذرنوش که البته در بسیاری موارد گردآورنده میراث لغوی گذشتگان نیز محسوب می‌شود، آن را به معنای گفتگو، مشاوره، شور، یادگیری، حفظ، مطالعه و تحصیل دانسته است.^۹ واضح است که این معانی طیف وسیعی از مفاهیم را برای این اصطلاح ارائه می‌دهند که در آن میان مفهوم فرایندی از تبادل اندیشه‌ها به صورت جمعی و نیز تعلیم دارای اهمیت ویژه‌ای است و عملاً این معانی را می‌توان در این دو طیف جمع آورد. از لغتنامه‌های کهن، در کتاب العین، ریشه «ذکر» به معنای جاری شدن چیزی بر زبان و همچنین به معنای نوشته‌ای است که در آن تفصیل دین آمده باشد.^{۱۰} در لسان العرب نیز افزون بر معنای جاری شدن چیزی بر زبان، ریشه ذکر به

-
۱. لسان العرب، ج. ۵، ص. ۲۱۵؛ علی اکبر قرشی بنایی، (۱۴۱۲ ق.)، قاموس قرآن، ج. ۷، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ص. ۸۱.
 ۲. همان، ص. ۲۱۷؛ العین، ج. ۸، ص. ۱۵۶.
 ۳. لسان العرب، ج. ۵، ص. ۲۱۹.
 ۴. فیومی مناظره را به معنای مجادله دانسته است. نک. احمد بن محمد فیومی، (۱۴۱۴ ق.)، مصباح المنیر، ج. ۲، قم: مؤسسه دار الهجرة، ص. ۶۱۲.
 ۵. لسان العرب، ج. ۱۱، ص. ۱۵۵.
 ۶. همان، ج. ۸، ص. ۴۰۱.
 ۷. همان، ج. ۱۵، ص. ۲۷۸.
 ۸. همان، ج. ۸، ص. ۴۰۱ (المواضعه، المناظره فی الأمر؛ ... و المواضعه أن تواضع صاحبک امرأً تناظره فیه).
 ۹. فرهنگ معاصر عربی-فارسی، ص. ۲۱۶.
 ۱۰. العین، ج. ۵، ص. ۳۴۶.

معنای حفظ کردن آمده است.^۱ در مجموع، مناظره بیشتر با دیدن و مذاکره با سخن گفتن در ارتباط است و هر دو مفهوم اساساً ماهیتی بین‌الذهانی و جمعی دارند.

۲. مذاکره در فرهنگ اسلامی

اصطلاح مذاکره معمولاً به مجالسی اطلاق می‌شود که در قرون نخستین اسلامی میان عالمان مسلمان رواج و در تحصیل طلاب مسلمان نقشی کاربردی داشت و برای مثال اصطلاح «علی سبیل مذاکره» به آنها اشاره دارد.^۲ در کتاب *الحيوان جاحظ*، افزون بر عبارت «مما يصلح لمذاکره»^۳ عبارات «اشعار المذاکره»^۴ و «اشعار تجوز فی المذاکره»^۵ نیز وجود دارد که نشان از مرسوم بودن مجلس مذاکره در محافل شعر است.^۶ در میراث مکتوب اسلامی آثاری در باب مجالس مذاکره تدوین شده است، برای مثال، کتاب *نشوار و المحاضره و أخبار المذاکره* نوشته قاضی ابوعلی محسن بن علی تنوخی (ز. ۳۸۴ ق.) که در آن به مجالسی از مذاکره، به ویژه در محکمه‌های قضایی و مظلّمه‌ها و بزرگان حاضر در آن مجالس و آراء و نحوه عرضه آنها اشاره کرده است.^۷ عالمان حاضر در مذاکرات را «الشيوخ المذاکره» می‌خواندند^۸ و پای‌بندی بدین شیوه برای عالمان شهرت می‌آورد.^۹ مسعودی بر آن است که برخی خلفای عباسی، از جمله مأمون (حک. ۲۱۸-

۱. *لسان العرب*، ج. ۵، ص. ۲۱۹.

۲. برای نمونه نک. ابوالفرج اصفهانی، (۱۴۱۵ ق.)، *اللاغانی*، ج. ۱۷، بیروت: دار احیاء تراث عربی، ص. ۱۵۲؛ ج. ۲۴، ص. ۲۲۳؛ خطیب بغدادی، (۱۴۱۷ ق.)، *تاریخ بغداد*، ج. ۷، بیروت: دار الکتب العلمیه، ص. ۷۰.

۳. *جاحظ*، (۱۴۲۴ ق.)، *الحيوان*، ج. ۵، بیروت: دار الکتب العلمیه، ص. ۸۶؛ ج. ۶، ص. ۳۷۲.

۴. همان، ج. ۳، ص. ۲۰.

۵. همان، ص. ۳۱.

۶. همان.

۷. نک. سید اصغر محمودآبادی، اصغر فروغی ابری، و دیگران، «روش‌شناسی تاریخی تنوخی در تألیف کتاب *نشوار المحاضره و أخبار المذاکره*»، پژوهش‌های تاریخی، ش. ۱۴، تابستان ۱۳۹۱، صص. ۱-۱۴.

۸. محمد بن عمران مرزبانی، (بی‌تا)، *الموشح*، قاهره: نهضه مصر للطباعه و النشر و التوزیع، ص. ۳۸۸.

۹. ابن حزم، (۱۴۰۳ ق.)، *جمهره أنساب العرب*، تحقیق لجنة من العلماء، بیروت: دار الکتب العلمیه، ص. ۹۶؛

ابوحیان توحیدی، (۱۴۲۴ ق.)، *الإمتاع و الموانسه*، بیروت: مکتبه عنصریه، ص. ۴۰۳.

۱۹۸ ق. و معتمد (حک. ۲۷۹-۲۵۶ ق.)، به برپا داشتن مجالس مذاکره علاقه داشته‌اند.^۱ این مجالس گاه محل سرگرمی بزرگان نیز بود.^۲

برگزاری مذاکره روشی برای تعلیم به شمار می‌آمد. گاه حلقه‌های علمی یک استاد مجالس مذاکره‌ای را پدید می‌آورد که محل بحث بین شاگردان بود، مانند مذاکره جرید و فرزوق در حلقه درس یونس بن معاویه.^۳

موضوع مجالس مذاکره را می‌توان بیشتر مخصوص علم حدیث دانست.^۴ شواهد حدیثی نیز به این مدعا یاری می‌رساند، برای مثال، اشاره به واژه‌ای از این ریشه در حدیثی قدسی، «ذَاكِرُ الْعِلْمِ بَيْنَ عِبَادِي مِمَّا تَحْيَا عَلَيْهِ الْقُلُوبَ الْمَيِّتَةَ إِذَا هُمْ انْتَهَوْا فِيهِ إِلَى أَمْرِي»،^۵ به ویژه با الحاق آن به واژه علم که مرادف حدیث است؛ و همچنین حدیث امام باقر (ع) که به صراحت در مورد مذاکره می‌فرماید: «تَعَلَّمُوا الْعِلْمَ، فَإِنَّ تَعَلُّمَهُ حَسَنَةٌ، وَ طَلَبَتُهُ عِبَادَةٌ، وَ مُذَاكِرَتُهُ تَسْبِيحٌ، وَ الْبَحْثُ عَنْهُ جِهَادٌ...».^۶

منیرالدین احمد مذاکره را از ابتکارات طلاب حدیث برای تکرار غیررسمی احادیث می‌داند.^۷ برخی گزارش‌ها به رواج مذاکره حتی از دو سده اول اشاره دارند.^۱

۱. مسعودی، (۱۴۰۹ ق.)، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ج. ۴، تحقیق اسعد داغر، قم: مؤسسه دار الهجرة، ص. ۱۳۸. مسعودی به برگزاری مجالس مذاکره در باب تفاخر عرب نزار و یمن در حضور سفاح نیز اشاره دارد؛ همان، ج. ۳، ص. ۲۷۱.

۲. *الأغانی*، ج. ۱۳، ص. ۲۲۶.

۳. همان، ج. ۸، ص. ۲۳۳.

۴. نک. ابن طیفور، (بی‌تا)، *بلاغات النساء*، قم: الشریف الرضی، صص. ۱۱۲، ۱۲۴، ۲۱۵؛ *مروج الذهب*، ج. ۳، ص. ۲۷۱؛ حر عاملی، (۱۴۰۹ ق.)، *وسائل الشیعه*، ج. ۵، به تحقیق و تصحیح مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ص. ۳۰۰.

۵. محمدتقی مجلسی، (۱۴۰۶ ق.)، *روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه*، ج. ۹، به تصحیح حسین موسوی کرمانی و علی‌پناه اشتهاردی، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانیور، ص. ۴۹۱؛ همان، ج. ۱۲، ص. ۱۶۶.

۶. حسین بن محمد حلوانی، (۱۴۰۸ ق.)، *نزهة الناظر و تنبیه الخاطر*، قم: مدرسه الإمام المهدی (عج)، ص. ۱۰۴.

۷. منیرالدین احمد، (۱۳۸۴)، *نهاد آموزش اسلامی*، ترجمه محمدحسین ساکت، تهران: نگاه معاصر، ص. ۱۲۸.

۳. کارکردهای آموزشی و علمی مذاکره در پنج قرن اول هجری

به نظر می‌رسد طی دو قرن اول هجری مذاکره بیشتر به معنای نقل و تکرار حدیث در جمع‌های آموزشی بوده است.^۲ البته مباحث مجالس مذاکره، سوای یادآوری احادیث، می‌توانست مشخصاً درباره موضوعی اختلافی به ویژه در باب مسائل فقهی نیز باشد، و چنان پیش می‌رفت تا افراد به اتفاق نظری در آن باره برسند؛^۳ یا گفتگو در مورد یک موضوع خاص مثل گفتگوی عمران بن سلمه و حارث بن سوئد در مورد یوم الجمل.^۴ البته هدف همواره رسیدن به اتفاق نظر نبود و ممکن بود اختلافی در میان افراد در باب موضوع باقی بماند. از همین رو، این نوع مذاکره را می‌توان مشاوره‌های دسته‌جمعی در مورد یک موضوع دانست.^۵ در مواردی موضوعات در چندین جلسه بررسی می‌شد و در این جلسات گاه مذاکره از یک موضوع به موضوعات دیگر نیز سرایت می‌کرد.^۶ از قرن سوم هجری به بعد و با رونق مجالس مذاکره، کارکردهای آنها را می‌توان بیشتر در مباحثات طرفین برای

۱. نک. طوسی، (۱۴۱۴ ق.)، *امالی*، بیروت: دار الثقافة، ص. ۴۸۸؛ در برخی احادیث نیز به این شیوه تصریح شده است، مانند سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ فَاطْلُبُوا الْعِلْمَ مِنْ مَظَانِّهِ وَ اُقْبِسُوهُ مِنْ اَهْلِهِ فَإِنَّ تَعْلِيمَهُ لِلَّهِ حَسَنَةٌ وَ طَلَبُهُ عِبَادَةٌ وَ الْمَذَاكِرَةُ بِهِ تَسْبِيحٌ وَ الْعَمَلُ بِهِ جِهَادٌ وَ تَعْلِيمُهُ مَنْ لَا يَعْلَمُهُ صَدَقَةٌ وَ بَدَلُهُ لِاَهْلِهِ قُرْبَةٌ اِلَى اللَّهِ تَعَالَى؛ و یا جمله‌ای از ام الدرداء، همسر ابی الدرداء و صحابی پیامبر (ص)، که می‌گوید: «لَقَدْ طَلَبْتُ الْعِبَادَةَ فِي كُلِّ شَيْءٍ فَمَا وَجَدْتُ شَيْئاً اَسْفَى لِنَفْسِي مِنَ مُذَاكِرَةِ الْعِلْمِ - اَوْ قَالَتْ: مُذَاكِرَةُ الْفَقْهِ» (ابن عبدالبر قرطبی، (۱۴۲۱ ق.)، *جامع بیان العلم و فضله*، بیروت: دار الکتب العلمیة، ص. ۱۴۴). این کاربرد به خوبی نشان از رواج مذاکره در تعلیم حدیث (علم) دارد، حتی اگر آن را اصطلاحی از دهه‌های متأخر قرن اول و یا دوم اسلامی در شمار آوریم که در فرهنگ حدیثی وارد شده است.
۲. نک. *روضة المتقين فی شرح من لا یحضره الفقیه*، ج. ۹، ص. ۴۹۱، ۴۹۲؛ *جامع بیان العلم و فضله*، ص. ۳۸-۳۹؛ *الأمالی*، ص. ۶۰، ۴۸۸، ۵۶۹؛ مفید، (۱۴۱۳ ق.)، *الاختصاص*، قم: کنگره شیخ مفید، ص. ۱۰۹.
۳. نک. *وسائل الشیعة*، ج. ۱۰، ص. ۲۴۲، ۳۶۸؛ ج. ۱۶، ص. ۳۴۸؛ ج. ۲۰، ص. ۵۳؛ کلینی، (۱۴۰۷ ق.)، *اصول الکافی*، ج. ۴، تحقق علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الاسلامیة، ص. ۸۴.
۴. خلیفه بن خیاط، (۱۴۱۵ ق.)، *تاریخ*، تحقیق فواز، بیروت: دار الکتب العلمیة، ص. ۱۱۵.
۵. نک. طبری، (۱۳۸۷ ق.)، *تاریخ*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث، ج. ۴، ص. ۳۳۳؛ ج. ۵، ص. ۱۴۴؛ ابن مسکویه، (۱۳۷۹)، *تجارب الامم*، ج. ۲، تحقیق ابوالقاسم امامی، تهران: سروش، ص. ۱۶۹؛ ابن اثیر، (۱۴۰۹ ق.)، *أسد الغابة فی معرفة الصحابة*، ج. ۱، بیروت: دار الفکر، ص. ۴۶۶.
۶. نک. مفید، (۱۴۱۳ ق.)، *الفصول المختارة*، قم: کنگره شیخ مفید، ص. ۳۳۵.

رسیدن به اتفاق نظر و یا اقتناع طرف مقابل دید.^۱

۴. مناظره در فرهنگ اسلامی

برخی با شبیه دانستن مناظره در معنای آموزشی آن با مناظرات حضرت رسول (ص) با اهل کتاب و مخالفان کوشیده‌اند مبنایی اسلامی برای این شیوه بیابند.^۲ موضوع اصالت یونانی یا ارسطویی آن نیز مطرح است، هرچند موافقان مستندات جدی ندارند.^۳ منیرالدین احمد معتقد است که مناظره در سده دوم هجری تولد یافته و کارمایه‌ی آغازین آن مسائل کلامی بوده است.^۴ مناظره عملاً پیش از سده دوم در تمدن اسلامی به چشم می‌خورد و از همان زمان، در حوزه‌های حدیثی و ادبی نیز کاریست فراوان داشته است.^۵

مناظره بیشتر پیرامون مباحث عقیدتی و میان افراد و گروه‌های مخالف بر سر عقاید خود و غالباً به صورت رودررو بوده است.^۶ از نمونه‌های کهن مناظره‌های کلامی می‌توان به این موارد اشاره کرد: ماجرای فردی که امام جعفر صادق (ع) و یارانش را به مناظره دعوت کرد؛^۷ ماجرای «ماتیکان گجستک ابالیس»، یا مناظره یک زرتشتی تازه‌مسلمان با

۱. نک. ابن هشام، (بی‌تا)، السیره النبویه، ج. ۲، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ شلیبی، بیروت: دار المعرفه، ص. ۲۷۴؛ ابن سعد، (۱۴۱۰ ق.)، الطبقات الکبری، ج. ۵، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه، ص. ۳۵؛ یعقوبی، (بی‌تا)، تاریخ یعقوبی، ج. ۲، بیروت: دار صادر، ص. ۲۱۰؛ تاریخ طبری، ج. ۱، ص. ۳۹۲؛ ابن اعثم، (۱۴۱۱ ق.)، الفتوح، ج. ۵، تحقیق علی شیری، بیروت: دار الأضواء، ص. ۱۴۳؛ بلاذری، (۱۴۱۷ ق.)، انساب الاشراف، ج. ۲، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت: دار الفکر، ص. ۴۹۰؛ تنوخی، (۱۳۹۱ ق.)، نشوار المحاضر و اخبار المذاکره، ج. ۵، ص. ۶۱؛ الأغانی، ج. ۱، ص. ۸۷؛ مروج الذهب، ج. ۱، ص. ۲۷۱؛ تاریخ بغداد، ج. ۹، ص. ۲۸۹؛ اصول کافی، ج. ۱، ص. ۸۸.

۲. تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ص. ۲۶۲.

3. See: Wagner, E., (1980), "Munāzara", in: *EI2*, vol. VII, Edited by: P. Bearman, Th. Bianquis, C.E. Bosworth, E. van Donzel, W. P. Heinrichs. pp. 565-68.

۴. نهاد آموزش اسلامی، ص. ۱۲۰.

5. See: "Munāzara".

۶. اصول کافی، ج. ۱، ص. ۷۲.

۷. همان، ص. ۱۷۲.

عالم زرتشتی، آذرفرنبغ فرخزادان؛^۱ و حتی کهن تر از اینها، گفتگوی علی بن حسین (ع) و محمد حنفیه در مورد حق امامت شیعیان بعد از حادثه کربلا؛^۲ مناظره امام صادق (ع) با ابوحنیفه؛^۳ مناظره ضرار بن عمرو ضبی با هشام بن حکم، صحابه امام صادق (ع) و متکلم امامی؛ و مناظره ضرار با علی بن میثم، نواده میثم تمار.^۴ در برخی گزارشها مجالس محاکمه یک فرد را به مجلس مناظره نیز تعبیر کرده‌اند، مانند مجلس محاکمه افشین.^۵

در مناظره، اصل بر پیروزی یکی از طرفین بود و حتی برخی عالمان به تفوق خویش در این مجالس تفاخر می‌کردند. قاسم بن سلام می‌گفت: «با هیچ استادی در علوم مناظره نکردم، مگر این که بر او غلبه کردم».^۶ در مناظرات کلامی و اعتقادی، این پیروزی و شکست وجه بارزتری می‌یافت. برای مثال، ابوهدیل علاف، متکلم معتزلی، در مناظره با هشام بن حکم می‌گوید: «اگر مرا شکست دادی به اعتقادات ایمان می‌آورم».^۷ ترک گفتن مجلس مناظره‌ای از سر بیم از شکست از حریف نیز خود موجب سرشکستگی بود.^۸ گاه شکست موجب اعتماد جمعیت پیرو بازنده به اعتقاد فرد برنده می‌شد.^۹ اصطلاح «تکاف الأدله» در حقیقت به دفاع بازنده از خویش در مناظره اشاره دارد.^{۱۰} البته ضرورتاً مناظره با شکست یکی از طرفین همراه نبود.^{۱۱} بسیاری از همین مناظرات کلامی در تاریخ ثبت و تدوین شده‌اند.^{۱۲}

۱. نک. آذرفرنبغ فرخزادان، (۱۳۷۶)، *ماتیکان گجستک/بالیس، برگردان ابراهیم میرزای ناظر*، تهران:

هیرمند، ص. ۱۷.

۲. طوسی، (۱۴۱۱ ق.)، *الغیبه للحجه*، قم: دارالمعارف اسلامی، ص. ۱۹.

۳. *الاختصاص*، ص. ۱۸۹.

۴. همان، ص. ۱۰۹؛ *الفصول المختاره*، صص. ۲۸، ۲۹، ۱۲۰، ۳۳۱.

۵. *تاریخ طبری*، ج. ۹، ص. ۱۰۲؛ *تجارب الأمم*، ج. ۴، ص. ۲۶۴.

۶. *جامع بیان العلم و فضلہ*، ص. ۳۸۳.

۷. ابن بابویه، (۱۴۱۴ ق.)، *اعتقادات الامامیه*، قم: کنگره شیخ مفید، ص. ۴۳.

۸. *انساب الاشراف*، ج. ۴، ص. ۲۴۲.

۹. *اعتقادات الامامیه*، ص. ۴۳.

10. See: "Munāzara".

۱۱. *مروج الذهب*، ج. ۳، ص. ۱۹۴.

۱۲. ابن فقیه، (۱۴۱۶ ق.)، *البلدان*، تحقیق یوسف الهادی، بیروت: عالم الکتب، صص. ۴۲، ۲۰۴.

طرفین مناظره از نظر اعتبار باید در یک سطح می‌بودند.^۱ در مناظرات گروهی، معمولاً کسی که از سایر افراد گروه عالم‌تر بود متولی امر مناظره یا نماینده گروه خویش می‌شد.^۲ شیعیان امامیه مناظره را از اصول خود و معتبر می‌دانستند.^۳ در مقابل، اهل تسنن چندان از مناظره استقبال نمی‌کردند، چنان که غزالی آن را مفید ندانسته و حتی باب چهارم از *احیاء علوم دین* را به آفات مناظره و جدل اختصاص داده و شباهت مجالس مناظره به جلسه مشاوره صحابه و مفاوضات سلف را از تلبیسات ابلیس دانسته است.^۴

ظاهراً در فرهنگ اسلامی دو تلقی از مناظره وجود داشته است: یکی آنچه در حکم جدل و مناظره‌ی تند امروزی بوده و در آن اهداف تعلیمی دنبال نمی‌شده و فقط برای نشان دادن برتری یکی بر دیگری صورت می‌گرفته است، که طبیعتاً وجهه‌ای منفی داشته و در منابع مرادف مجادله گرفته شده است.^۵ گاه نیز کلمه مناظره را همراه خصومت^۶ و تباین^۷ و منازعه^۸ آورده‌اند که همچنان چالش فکری، گفتاری و کلامی میان دو طیف متخاصم را نشان می‌دهد. اما تلقی دیگری از مناظره مرادف مشاوره^۹ و مذاکره^{۱۰} بوده و دید مثبتی ایجاد می‌کند.

۱. نک. أحمد بن فارس، (۱۴۰۴ ق.)، *معجم مقاییس اللغة*، ج. ۲، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ص. ۱۹۹؛ *الحيوان*، ج. ۴، ص. ۴۸۴.
۲. *مروج الذهب*، ج. ۳، ص. ۴۳۱.
۳. مفید، (۱۴۱۳ ق.)، *الحکایات*، قم: کنگره شیخ مفید، ص. ۷۳.
۴. غزالی، (۱۳۶۴)، *احیاء علوم الدین*، ترجمه مؤیدالدین محمد خوارزمی، به کوشش حسین خدیوچم، تهران: علمی و فرهنگی، ج. ۱، ص. ۱۰۵.
۵. *الفصول المختاره*، ص. ۳۳۱؛ *تاریخ یعقوبی*، ج. ۲، ص. ۳۰۷؛ *مروج الذهب*، ج. ۱، ص. ۳۹۲؛ *تجارب الأمم*، ج. ۵، ص. ۲؛ *جامع بیان العلم و فضله*، ص. ۳۸۰.
۶. *السیرة النبویة*، ج. ۱، ص. ۳۱۳؛ *عبدالملک بن محمد ثعالبی*، (۱۴۱۴ ق.)، *فقه اللغة*، بیروت: دار الکتب العلمیة، ص. ۲۳۳.
۷. *مروج الذهب*، ج. ۴، ص. ۲۳.
۸. *انساب الاشراف*، ج. ۹، ص. ۲۵۰.
۹. *تاریخ یعقوبی*، ج. ۲، ص. ۳۰۷.
۱۰. *الفصول المختاره*، صص. ۳۳۱، ۳۳۵.

با این حال، ماهیت غالب مناظره، روبه‌رو شدن دو عقیده متفاوت برای دفاع از خویش با استفاده از ایزاری چون منطق، گفتار و ادله و شیوایی در کلام بود. به همین دلیل، مناظره طولانی و شدید شبیه جدل بود و گاه برای رهایی از این مشکل به داوری شخص ثالثی راضی می‌شدند.^۱ از همین رهگذر، مناظره بر ادبیات کلامی و متون دیالکتیکی تأثیر نهاد.^۲ مناظره می‌توانست با تندی^۳ و خصومت همراه باشد،^۴ و این می‌توانست مناظره را از اعتبار و حجیت علمی دور سازد و شرایطی فراهم آورد که پیروز مناظره پیروزی‌اش را بدون قضاوت عالمانه و با دسیسه‌های عوامانه به دست آورد. برای مثال، در مناظره‌ای بین اصمعی و سیبویه که به اعتراف اصمعی در معجم‌الادبا نقل شده، سیبویه در مسجد به اصمعی به سبب شرحی که از برخی ابیاتش داشته اعتراض کرد، اما اصمعی به جای رویارویی عالمانه، صدای خویش را بلند کرد و با تکیه بر عرب‌زبان بودن و بالطبع فصیح‌تر بودن خویش در عربی، مجال بیانی برای سیبویه ایرانی فارسی‌زبان باقی نگذاشت و حاضران نیز رأی به پیروزی اصمعی دادند.^۵ ثعالبی نیز از واژه «الصَّخَب» به عنوان «فریاد بلند در هنگام مناظره و مخاصمه»^۶ یاد می‌کند.

مناظره، به رغم ماهیت جدلی‌اش، عملاً شیوه‌ای برای تعلیم به ویژه در علم حدیث بود. به نظر می‌رسد که لقب «غیرُ مناظره» برای برخی افراد در متون مختلف، گواه محرومیت فرد از شیوه مناظره در تحصیل باشد، همچون محمد بن حنفیه.^۷ بارزتر از این، خلیل بن احمد لغوی مناظره شاگرد با استاد را برای آگاهی استاد از ضعف‌های خود مفید می‌داند.^۸

۱. نک. الإمتناع و المؤمنسه، ص. ۳۹۸.

2. See: "Munāzara".

۳. مفردات ألفاظ القرآن، ص. ۱۸۲.

۴. السیره النبویه، ج. ۱، ص. ۳۱۳.

۵. یاقوت حموی، (۱۴۱۴ ق.)، معجم‌الادباء، ج. ۲، بیروت: دار الغرب الإسلامی، ص. ۹۲۱.

۶. فقه اللغة، ص. ۲۳۳.

۷. الاختصاص، ص. ۱۷۱.

۸. یونس کرامتی (۱۳۹۰)، «تعلیم و تربیت»، دایرةالمعارف بزرگ اسلام، ج. ۱۵، ص. ۶۲۴، به نقل از

جاحظ، البیان و التبیین، ج. ۱، ص. ۲۷۴.

شافعی نیز، در حیطة فقه، حضور طلابش در جلسات مناظره‌اش را برای ایشان مفیدتر از حضور در جلسات درشش می‌دانست.^۱

مجالس مناظره غالباً در حضور بزرگان سیاسی و یا علمی برگزار می‌شد،^۲ و آن بزرگ رئیس جلسه بود و مجلس به نام وی مشهور می‌شد؛ اداره مجلس نیز به دست او بود.^۳ در میراث شیعی نیز از مناظرات امامانی چون امام رضا (ع) و امام جواد (ع) با مخالفان تشیع و پیروزی امامان بر ایشان در حضور خلفا گزارش‌هایی در دست است.^۴ گاه مناظرات نتایج عینی نیز داشت، چنان که مأمون طی مناظره با فردی دریافت که فدک را به بنی‌هاشم اعطا کند.^۵ مباحث فقهی مجالی مناسب برای برگزاری مناظره بود و نمونه‌های فراوانی از برگزاری مناظرات فقهی گزارش شده است، مانند مناظره در باب جواز تیمم با نوره.^۶

اصطلاح «مناظر» در متون رجالی به عالمانی اشاره دارد که بسیار اهل برگزاری مناظره و در آن بسیار توانمند بوده‌اند.^۷ «قطع الکلام علی مناظره»، یا همان پایان‌دهنده کلام در مناظره، نیز از اوصافی است که برای برخی از شخصیت‌ها بیان شده است.^۸ برای مناظره اصول و آدابی نوشته‌اند که گفته می‌شود اولین آنها توسط ابن مقفع بود و نمونه‌های بعدی آن *آداب المتکلمین* ضرار بن عمرو معتزلی و کتاب *آداب الجدل* ابن‌راوندی

۱. نهاد آموزش اسلامی، ص. ۱۱۴ به نقل از تاریخ بغداد، ج. ۶، ص. ۲۱.

۲. نک. الفتوح، ج. ۸، صص. ۳۷۵، ۳۷۹؛ محمد بن احمد مقدسی، (۱۴۱۱ ق.)، *أحسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم*، قاهره: مکتبه مدبولی، ص. ۲۳۷؛ *مقاتل الطالبیین*، ج. ۲، ص. ۲۱۳.

۳. حسن بن عبدالله عسکری، (۱۴۱۹ ق.)، *الصناعتین*، بیروت: مکتبه عنصریه، ص. ۳۳۱؛ *أحسن التقاسیم*، ص. ۲۳۷؛ *مقاتل الطالبیین*، ج. ۲، ص. ۲۱۳؛ *نشوار المحاضره*، ج. ۲، ص. ۳۳؛ گننام، (۱۳۶۶)، *تاریخ سیستان*، تحقیق ملک‌الشعراى بهار، تهران: زوار خاور، ص. ۳۴۲.

۴. حسن بن علی ابن شعبه حرانی، (۱۴۰۴ ق.)، *تحف العقول عن آل الرسول (ص)*، قم: جامعه مدرسین، ص. ۴۴۷.

۵. احمد بن عبدالعزیز جوهری بصری، (بی‌تا)، *السقیفه و فدک*، محقق: محمدهادی امینی، تهران: مکتبه نینوی الحدیثه، ص. ۱۰۴.

۶. طوسی، (۱۳۷۵ ق.)، *الاقتصاد الیهادی الی طریق الرشاد*، تهران: کتابخانه، ص. ۱۲.

۷. خیرالدین زرکلی، (۱۹۸۹ م.)، *الاعلام*، ج. ۶، بیروت: دار العلم للملایین، ص. ۲۷۱.

۸. مسعودی، (بی‌تا)، *التنبیه الاشراف*، تصحیح عبدالله اسماعیل الصاوی، القاهرة: دار الصاوی، ص. ۲۶۱.

است.^۱ در آداب مناظره، مناظره با عناد را مناظره قبیح خوانده‌اند.^۲ غزالی و شهید ثانی نیز شروطی برای مناظره سالم و پرهیز از آفت‌های آن دارند.^۳

۵. سیر تحول معنایی مناظره در پنج قرن اول هجری

در صدر اسلام، معنای غالب واژه مناظره با معنای اصطلاحی امروز تفاوت داشت و بیشتر معنای لغوی آن مورد توجه و استعمال قرار می‌گرفت. همان طور که پیش‌تر نیز گفته شد، در قرآن به جای مفهوم مناظره به معنای امروزی، از معنای جدل استفاده شده است. امام علی (ع) نیز در سفارش به مالک اشتر کلمه مناظره را در معنای هم‌نظر به کار برده است.^۴ در جای دیگری نیز امام علی (ع) در وصیت به فرزندان از مناظره در معنای «فرصت خیلی کوتاه» استفاده کرده است: «وَاللَّهِ اللَّهُ فِي بَيْتِ رَبِّكُمْ لَا تَخْلُوهُ مَا بَقِيْتُمْ فَإِنَّهُ إِنْ تَرَكَ لَمْ تُنَاطِرُوا». چنان‌که ابن ابی‌الحدید در توضیح «فأنه ان ترک لم تناظروا» می‌گوید: یعنی به زودی از شما انتقام گرفته خواهد شد.^۵ خوبی نیز معنای لغوی لم تناظروا را تعجیل در بلا و ریشه‌کنی می‌داند.^۶ با این حال، شهیدی در توضیح این عبارت از نامه می‌نویسد:

جمله «لم تناظروا» را شارحان به چند گونه معنا کرده‌اند: مناظره مقابل و مثل برای چیزی آوردن است. موضوعی که زمخشری به نقل از زهری در کتاب اساس البلاغه به آن اشاره کرده است: «لَا تُنَاطِرُ بِكِتَابِ اللَّهِ وَلَا بِكَلَامِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ» و در توضیح آن می‌نویسد: «أَي لَا تَقَابِلُ وَلَا تَجْعَلُ مَثَلًا لَهُ»^۷ یعنی «چیزی را مقابل آن مدار و همانندی برای آن میار»^۸.

1. See: "Munāzara".

۲. الامالی، صص. ۱۰۷، ۱۵۱.

۳. شهید ثانی، (۱۴۰۸ ق.)، منیه المرید، محقق: رضا مختاری، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، صص. ۳۱۱-۳۳۴؛ احیاء علوم الدین، ج. ۱، صص. ۱۰۵-۱۱۵.

۴. تحف العقول، صص. ۱۲۹-۱۳۰.

۵. نک. ابن ابی‌الحدید، (۱۴۰۴ ق.)، شرح نهج البلاغه، ج. ۱۷، قم: مکتبه آیت‌الله مرعشی نجفی، صص. ۱۱.

۶. میرزا حبیب‌الله هاشمی خوبی، (۱۴۰۰ ق.)، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه، ج. ۲۰، ترجمه حسن حسن‌زاده آملی و محمدباقر کمره‌ای، به تحقیق و تصحیح ابراهیم میانجی، تهران: مکتبه الاسلامیه، صص. ۱۲۹.

۷. نک. محمود بن عمر زمخشری، (۱۴۱۹ ق.)، اساس البلاغه، ج. ۲، بیروت: دار الکتب العلمیه، صص. ۲۸۳.

۸. محمد بن حسین شریف الرضی، (۱۳۷۸)، نهج البلاغه، ترجمه شهیدی، تهران: علمی و فرهنگی، صص.

با این مقدمه می‌توان ادعا کرد که از اواخر قرن اول هجری و شاید تحت تأثیر ترجمه علوم و گسترش ارتباط مسلمانان با اقوام و ملت‌های همجوار معنای غالب مناظره تغییر کرده باشد. در مجموع، معانی زیر را برای قرن اول و دوم می‌توان استخراج کرد:

(۱) به معنای نگرستن، نگاه کوتاه و یک نظر؛

(۲) بحث و گفتگو به منظور تفهیم موضوع، چنان که به نقل از امام علی (ع) در گفتگو با خریث بن راشد نوشته شده است: «بیا تا قرآن را برای تو بخوانم و درباره سنت با تو مناظره کنم و چیزهایی از مطالب حق را که بهتر از تو می‌دانم به تو بگویم، شاید آنچه را اکنون انکار می‌کنی بفهمی»^۱؛

(۳) ابراز اشکال و ایراد و تشکیک در مطلبی؛^۲

(۴) به معنای مشاوره.^۳

شکل ساختاری مجالس مناظره از قرن سوم به بعد، با توجه به فراوانی مباحثات کلامی و مجالس خلفا تحول و تکامل بیشتری می‌یابد، و از همین رو، اصطلاح مناظره را طی گزارش‌های این دوران با تنوع بیشتری می‌بینیم، از این زمان به بعد است که اصطلاح «مجلس النظر»^۴ در متون وارد می‌شود، اصطلاحی که در وصف اشخاص و کتب تراجم به ویژه از قرن ششم به بعد کاربرد بیشتری پیدا می‌کند.^۵ هرچند وجه مشترک همه آنها بحث و گفتگوی طرفین در موضوعی علمی، اعتقادی، کلامی و یا سیاسی است،^۶ گاه نیز در قالب

۱. نک. ابراهیم بن محمد تقی کوفی، (۱۳۵۳)، *الغارات*، ج. ۱، تحقیق جلال‌الدین حسینی ارموی، تهران:

انجمن آثار ملی، ص. ۳۳۳؛ *تاریخ طبری*، ج. ۵، ص. ۱۱۴.

۲. نک. *اصول کافی*، ج. ۴، ص. ۲۷۰.

۳. *تحف العقول*، ص. ۲۶۷.

۴. *احسن التقاسیم*، ص. ۳۱۵؛

۵. نک. *الانساب*، ج. ۳، ص. ۴۱۹؛ ج. ۴، ص. ۱۲۲؛ ابن جوزی، (۱۴۱۲)، *المنتظم*، ج. ۱۶، تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة، ص. ۷۸.

۶. برای نمونه‌های مختلف در برخی منابع نک. *انساب الاشراف*، ج. ۹، ص. ۲۵۹؛ *تاریخ یعقوبی*، ج. ۲، ص. ۲۵۶، ۳۰۷؛ *تاریخ طبری*، ج. ۸، ص. ۵۷۷؛ *الاختصاص*، ص. ۱۷۳؛ *الطبقات الکبری*، ج. ۶، ص.

۳۱۱؛ *الفتوح*، ج. ۵، ص. ۴۵؛ *اصول کافی*، ج. ۱، ص. ۸۶؛ یعقوب بن سفیان فسوی، (۱۴۰۱ ق.)، *المعرفة و التاریخ*، ج. ۲، تحقیق اکرم ضیاء العمری، بیروت: مؤسسة الرسالة، ص. ۴۸۵؛ احمد بن داود دینوری، (۱۳۶۸)،

سؤال و مناقشه علمی بین استاد و شاگرد است.^۱

متون بسیاری از مناظرات گذشته بر جای مانده است که از جمله این آثار می‌توان به «مناظره شیعیان و مرجئیان در مورد مسح پا»^۲ و کتاب *مناظره الشاک بحضرت نه نوشته علی بن یقظین* اشاره کرد که در آن به مسائل سؤال شده از امام موسی کاظم (ع) اشاره دارد.^۳ قاضی عبدالوهاب بن علی بن نصر ثعلبی بغدادی، فقیه مالکی قرن چهارم، کتابی به نام *غرر المحاضره و رؤوس مسائل المناظره*^۴ تألیف کرده است؛ بخش مهمی از کتاب *مفید العلوم جمال الدین خوارزمی* نیز مناظراتی مانند مناظره حضرت رسول (ص) و مسیحیان نجران را در بر دارد.^۵ در کتاب *فصول المختاره* نیز فصل‌هایی به مناظرات اختصاص یافته، از جمله مناظرات هشام بن حکم با ضرار ضبی و خوارج در حضور یحیی برمکی و هارون الرشید، که این مناظرات مباحث گوناگون سیاسی، تاریخی، اعتقادی و فقهی را در بر دارند.^۶ از قرن سوم به بعد، مناظره در آموزش اسلامی کاربرد و مخاطبان بیشتری پیدا کرد.^۷

-
- اخبار الطوال*، تحقیق عبدالمنعم عامر، قم: منشورات الرضی، ص ۱۹۹؛ *مقاتل الطالبین*، ص ۳۵۰؛ *الاعانی*، ج ۴، ص ۳۳۲، ج ۵، ص ۲۴۳، ج ۱۰، ص ۳۲۵؛ *الموشح*، ص ۵۶؛ *التنبیه الاشراف*، ص ۳۰۶؛ *الفصول المختاره*، ص ۲۹، ۵۰، ۲۰۴؛ *نشوار المحاضره*، ج ۸، ص ۸۸؛ *الإمتاع والمؤانسه*، ص ۳۹۸؛ *جامع بیان العلم و فضله*، ص ۳۸۲؛ *تاریخ بغداد*، ج ۲۲، ص ۵۰؛ *تجارب الأمم*، ج ۲، ص ۱۶۴؛ ج ۲، ص ۴۶۹؛ ج ۲، ص ۳۰۱؛ ج ۴، ص ۴۹۱؛ *مروج الذهب*، ج ۳، ص ۳۲؛ ج ۲، ص ۳۹۵؛ ج ۳، ص ۴۳۲؛ *احیاء علوم الدین*، ج ۱، ص ۱۰۴.
۱. *جامع بیان العلم و فضله*، ص ۳۶۹.
 ۲. طوسی، (۱۴۲۰ ق.)، *الفهرست*، کتابخانه محقق طباطبائی، به تحقیق علامه سید عبدالعزیز طباطبائی، ص ۸۰.
 ۳. همان، ص ۲۷۱.
 ۴. *الاعلام*، ج ۴، ص ۱۸۶.
 ۵. محمد بن حسن خوارزمی، (۱۴۱۸ ق.)، *مفید العلوم و مفید الهموم*، بیروت: مکتبه عنصریه، صص ۲۰۵-۹۵.
 ۶. نک. *الفصول المختاره*، صص ۲۸، ۵۰.
 ۷. همان، ص ۳۴۰.

نتیجه

دو اصطلاح مناظره و مذاکره برخی تمایزهای معنایی اساسی دارند، هرچند شباهت‌های لغوی و نیز شباهت‌هایی در جلسات مناظره و مذاکره دیده می‌شود و همین شباهت‌ها در طول تاریخ تا کنون موجب شده که گاه این دو اصطلاح با یکدیگر خلط شوند و یا در بسیاری از گزارش‌ها، تمایز شفاف‌ی میان آنها دیده نشود.

مجلس مناظره غالباً بین دو طرف با عقاید متفاوت برقرار می‌شد و هر کدام از طرفین سعی در اثبات عقیده خود و ردّ عقیده رقیب داشت. از همین رو، این مجالس صغیه جدال و خصومت به خود می‌گرفت. همچنین در بسیاری موارد، مناظرات کلامی میان مسلمانان با پیروان سایر ادیان انجام می‌شده است. در مقابل، در جلسه مذاکره، گفتگوها غالباً چندطرفه بوده و خصومت و اختلاف در آنها کم‌تر دیده می‌شده است. از جهت کلامی نیز این مجالس ماهیت درون‌دینی بیشتری داشتند و کمتر بین پیروان ادیان مختلف برگزار می‌شدند.

بخش مهمی از بروز اختلاف‌ها و جدل‌ها در مجالس مناظره به سبب طرح مباحث اختلافی در اعتقادات رقیب بود و بحث در باب اعتقاد در این مجالس جایگاه مهمی داشت.

در جلسه مناظره، اصل بر آن بود که طرفین از نظر علمی در یک سطح باشند، حال آن که مجلس مذاکره می‌توانست در حضور استاد و شاگرد شکل بگیرد، و از همین رو، کارکرد تعلیمی مجالس مذاکره بیشتر از مجالس مناظره بود. با این حال، شرکت‌کنندگان در جلسات مناظره از سرآمدان و بزرگان علمی در حوزه‌های تخصص خویش بودند، اما در مجالس مذاکره هر کسی با هر سطح علمی می‌توانست حضور یابد، چنان‌که شاگردان معمولاً به منظور یادآوری مطالب استاد به مذاکره گروهی می‌پرداختند و در بعضی از موارد، استاد نیز آنها را به مذاکره با یکدیگر سفارش و به مذاکره آنها رسیدگی می‌کرد.

به طور کلی، مذاکره را معادل معنای غالب آن می‌توان مشورتی بین دو و یا چند نفر دانست که در آن یک مسئله مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار می‌گرفت و بالطبع مجالس برای تعلیم بهتر علوم به دست می‌داد؛ حال آن‌که مناظره محکی علمی و کلامی از عقاید و علوم طرفین بود که در جلسه‌ای رسمی در رویارویی با یکدیگر صورت می‌پذیرفت. در

جدول زیر، اهم دستاوردهای این پژوهش در حوزه معنا و اصطلاح‌شناسی مناظره و مذاکره ذکر شده است.

مفاهیم	معنا	تطور مفهومی و کاربردی در جامعه	واژه‌های مترادف در متون تاریخی	کاربرد
مذاکره	یادآوری دسته‌جمعی حدیث، گفتگوی دسته‌جمعی در یک موضوع، گفتگوی دو نفره، گفتگو و تعامل فرد یا گروهی با جمع یا گروهی دیگر	از قرن سوم به بعد، مذاکرات علمی و مباحثه و گفتگوی دسته‌جمعی در حضور استاد یا حاکم و زیر نظر ایشان انجام می‌شد	مناظره، مشاوره، محادثه	گفتگوی گروهی غالباً به منظور فراگیری و دانش‌افزایی شاگردان در حضور استاد، بیشترین کاربرد در حوزه علم حدیث
مناظره	بحث و گفتگو به منظور تفهیم موضوع، ابراز اشکال و ایراد و تشکیک در مطلبی، به معنای مشاوره	مناظره در صدر اسلام به معنای نگریستن و فرصت کوتاه (یک چشم به هم زدن) استعمال می‌شده است. مناظره‌های دو قرن نخستین غالباً شامل دو موضوع ادبی و مذهبی بود، ولی از قرن سوم به بعد، شمار مناظره‌های مذهبی بیشتر شدند. مناظره‌های معروف از قرن سوم به بعد غالباً در دربار حاکمان انجام شده است. استفاده از رویکردهای کلامی در مناظره‌های مذهبی رایج بود.	مذاکره، مشاوره، تباین، مخاصمه، خصومت، مناظره، مناقشه، مباحثه، مجادله (مترادف پرکاربرد)، جدل	بحث و گفتگو بین دو نفر با اعتقاد متفاوت، به منظور اثبات حقانیت یک کدام، بیشتر پیرامون مباحث عقیدتی و میان افراد و گروه‌های مخالف بر سر عقاید خود

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، (۱۴۰۴ ق.)، شرح نهج البلاغه، قم: مکتبه آیت الله مرعشی نجفی.
- ابن اثیر، علی بن محمد، (۱۴۰۹ ق.)، أسد الغابة فی معرفة الصحابة، بیروت: دار الفکر.
- ابن اعثم کوفی، احمد، (۱۴۱۱ ق.)، الفتوح، تحقیق علی شیری، بیروت: دار الأضواء.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۴ ق.)، اعتقادات الامامیه، قم: کنگره شیخ مفید.
- ابن جوزی، عبدالرحمان بن علی، (۱۴۱۲ ق./۱۹۹۲ م.)، المنتظم فی تواریخ الملوک والامم، تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن حزم، علی بن احمد، (۱۴۰۳ ق.)، جمهرة أنساب العرب، تحقیق لجنه من العلماء، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن سعد، محمد بن سعد، (۱۴۱۰ ق.)، الطبقات الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۴۰۴ ق./۱۳۶۳ ش.)، تحف العقول عن آل الرسول (ص)، ج. ۲، قم: جامعه مدرسین.
- ابن طیفور، احمد بن أبی طاهر، (بی تا)، بلاغات النساء، قم: الشریف الرضی.
- ابن فارس، أحمد بن فارس، (۱۴۰۴ ق.)، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن فقیه، احمد بن محمد، (۱۴۱۶ ق.)، البلدان، تحقیق یوسف الهادی، بیروت: عالم الکتب.
- ابن مسکویه، احمد بن محمد، (۱۳۷۹)، تجارب الأمم، تحقیق ابوالقاسم امامی، تهران: سروش.
- ابن منظور، (۱۴۱۴ ق.)، لسان العرب، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت: دار صادر.
- ابن میثم، میثم بن علی، (بی تا)، شرح نهج البلاغه، تهران: دفتر نشر کتاب.
- ابن هشام، عبدالملک بن هشام الحمیری، (بی تا)، السیرة النبویه، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ شلیبی، بیروت: دار المعرفه.
- ابو حیان توحیدی، علی بن محمد، (۱۴۲۴ ق.)، الإمتاع و الموانسه، بیروت: مکتبه عنصریه.
- احمد، منیرالدین، (۱۳۸۴)، نهاد آموزش اسلامی، ترجمه محمدحسین ساکت، تهران: نگاه معاصر.
- اصفهانی، ابوالفرج، (۱۴۱۵ ق.)، الأغانی، بیروت: دار احیاء تراث عربی.
- اصفهانی، ابوالفرج، (بی تا)، مقاتل الطالبیین، تحقیق سید احمد سقر، بیروت: دار المعرفه.
- اکبرزاده، میثم، (۱۳۹۱)، «تطور معنایی واژگان و تأثیر آن بر فهم مفسر از منظر هرمونوتیکی»،

- مطالعات قرآنی و روایتی، س. ۱، ش. ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۱، صص ۹-۳۲.
- آذرتاش، آذرنوش، (۱۳۸۸)، فرهنگ معاصر عربی-فارسی، ج. ۱۰، تهران: نی.
- آذرنویغ فرخزادان، (۱۳۷۶)، ماتیکان گجستک ابالیس، برگردان ابراهیم میرزای ناظر، تهران: هیرمند.
- بلاذری، احمد بن یحیی، (۱۴۱۷ ق.)، *جمل من انساب الاشراف*، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت: دار الفکر.
- تنوخی، محسن بن علی، (۱۳۹۱ ق.)، *نشوار المحاضرة و اخبار المذاكرة*، بیروت: بی نا.
- ثعالبی، عبدالملک بن محمد، (۱۴۱۴ ق.)، *فقه اللغة*، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ثقفی، ابراهیم بن محمد، (۱۳۵۳)، *الغارات*، تحقیق جلال‌الدین حسینی ارموی، تهران: انجمن آثار ملی.
- جاحظ، عمرو بن بحر، (۱۴۲۳ ق.)، *البيان و التبیین*، بیروت: دار و مکتبه هلال.
- جاحظ، عمرو بن بحر، (۱۴۲۴ ق.)، *الحيوان*، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- جوهری بصری، احمد بن عبدالعزیز، (بی تا)، *السقیفه و فدک*، به تحقیق محمدهادی امینی، تهران: مکتبه نینوی الحدیثه.
- حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ ق.)، *وسائل الشیعه*، به تحقیق و تصحیح مؤسسه آل‌ال‌بیت علیهم السلام، قم: مؤسسه آل‌ال‌بیت علیهم السلام.
- حلوانی، حسین بن محمد، (۱۴۰۸ ق.)، *نزهة الناظر و تنبیه الخاطر*، قم: مدرسه الإمام المهدی (عج).
- حموی، یاقوت بن عبدالله، (۱۴۱۴ ق.)، *معجم الأدباء*، بیروت: دار الغرب الإسلامی.
- خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی، (۱۴۱۷ ق.)، *تاریخ بغداد*، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- خلیفه بن خیاط، (۱۴۱۵ ق.)، *تاریخ خلیفه بن خیاط*، تحقیق فواز، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- خوارزمی، محمد بن حسن، (۱۴۱۸ ق.)، *مفید العلوم و مفید الهموم*، بیروت: مکتبه عنصریة.
- دینوری، احمد بن داوود، (۱۳۶۸)، *الأخبار الطوال*، تحقیق عبدالمنعم عامر، قم: منشورات الرضی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (بی تا)، *مفردات الفاظ قرآن*، تصحیح صفوان عدنان داوودی، بیروت: دار القلم.
- زرکلی، خیرالدین، (۱۹۸۹ م.)، *الاعلام*، ج. ۸، بیروت: دار العلم للملایین.
- زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۱۹ ق.)، *اساس البلاغه*، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- سمعانی، عبدالکریم بن محمد، (۱۳۸۲ ق./۱۹۶۲ م.)، *الانساب*، تحقیق عبدالرحمن بن یحیی

- المعلمی الیمانی، حیدرآباد: مجلس دائرةالمعارف العثمانیة.
- شریف الرضی، محمد بن حسین، (۱۳۷۸)، *نهج البلاغة*، ترجمه سید جعفر شهیدی، ج. ۱۴، تهران: علمی و فرهنگی.
- شوشتری، محمدتقی، (۱۳۷۶)، *بہج الصباغہ فی شرح نہج البلاغہ*، تهران: امیرکبیر.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۴۰۸ ق.)، *منیہ المرید*، به تحقیق رضا مختاری، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- طبری، محمد بن جریر، (۱۳۸۷ ق.)، *تاریخ الأمم والملوک*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث.
- طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۷۵ ق.)، *الاقتصاد الہادی الی طریق الرشاد*، تهران: کتابخانہ.
- طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۱ ق.)، *الغیة للحجة*، قم: دار المعارف اسلامی.
- طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴ ق.)، *الأمالی*، بیروت: دار الثقافة.
- طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۲۰ ق.)، *الفہرست*، قم: کتابخانہ محقق طباطبائی.
- عسکری، (۱۴۱۹ ق.)، *حسن بن عبد اللہ، الصناعتین*، بیروت: مکتبہ عنصریة.
- غزالی، ابو حامد محمد، (۱۳۶۴)، *احیاء علوم الدین*، ترجمہ مؤیدالدین محمد خوارزمی، به کوشش حسین خدیو جم، تهران: علمی و فرهنگی.
- غنیمہ، عبدالرحیم، (۱۳۶۴)، *تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی*، ترجمہ نورالله کسایبی، تهران: یزدان.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ ق.)، *العین*، قم: ہجرت.
- فسوی، یعقوب بن سفیان، (۱۴۰۱ ق.)، *المعرفة و التاریخ*، تحقیق اکرم ضیاء العمری، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- فیومی، احمد بن محمد، (۱۴۱۴ ق.)، *مصباح المنیر*، قم: مؤسسة دار الهجرة.
- قرشی بنابی، علی اکبر، (۱۴۱۲ ق.)، *قاموس قرآن*، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
- قرطبی، ابن عبدالبر، (۱۴۲۱ ق.)، *جامع بیان العلم و فضلہ*، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق.)، *اصول الکافی*، محقق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
- کرامتی، یونس، (۱۳۹۰)، «تعلیم و تربیت»، *دائرةالمعارف بزرگ اسلام*، ج. ۱۵، زیر نظر کاظم بجنوردی، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، صص ۶۱۴-۶۳۱.
- گمنام، (۱۳۶۶)، *تاریخ سیستان*، تحقیق ملک الشعرا ی بہار، تهران: زوار خاور.

- مجلسی، محمدتقی، (۱۴۰۶ ق.)، *روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه*، به تحقیق و تصحیح حسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتهااردی، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور.
- غلامی، محبوبه، معصومه غلامی، و محمدابراهیم روشن ضمیر، «آسیب شناسی و آسیب زدایی 'مراء' از منظر قرآن و روایات»، پژوهش نامه معارف قرآنی، س. ۷، ش. ۲۴، بهار ۱۳۹۵، صص ۵۷-۸۲.
- محمودآبادی، سید اصغر، اصغر فروغی ابری و دیگران، «روش شناسی تاریخی تنوخی در تألیف کتاب نشوار المحاضره و اخبار المذاکره»، پژوهش های تاریخی، ش. ۱۴، ۱۳۹۱، صص ۱-۱۴.
- مرزبانی، محمد بن عمران، (بی تا)، *الموشح*، قاهره: نهضه مصر للطباعه و النشر و التوزیع.
- مروتی، سهراب و سارا ساکی، «معناشناسی واژه ذکر در قرآن کریم»، *آموزه های قرآنی*، ش. ۱۷، بهار و تابستان ۱۳۹۲، صص ۱۳۵-۱۵۴.
- مسعودی، علی بن حسین، (۱۴۰۹ ق.)، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، تحقیق اسعد داغر، قم: مؤسسه دار الهجرة.
- مسعودی، علی بن حسین، (بی تا)، *التنبیه و الاشراف*، تصحیح عبدالله اسماعیل الصاوی، القاهره: دار الصاوی.
- مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ ق.)، *الاختصاص*، قم: کنگره شیخ مفید.
- مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ ق.)، *الأمالی*، قم: کنگره شیخ مفید.
- مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ ق.)، *الحکایات*، قم: کنگره شیخ مفید.
- مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ ق.)، *الفصول المختاره*، قم: کنگره شیخ مفید.
- مقدسی، محمد بن احمد، (۱۴۱۱ ق.)، *أحسن التقاسیم فی معرفه الأقالیم*، ج. ۳، قاهره: مکتبه مدبولی.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۱ ق.)، *الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل*، قم: کتابخانه امام علی.
- مهدویان، محبوب، و کبری رحیم زاده، «شیوه آموزشی مناظره در قران و سنت»، *منهاج*، س. ۶، ش. ۱۰، بهار و تابستان ۱۳۸۹، صص ۱۴۳-۱۵۹.
- هابرماس، یورگن، (۱۳۹۲)، *نظریه ی کنش ارتباطی*، ترجمه کمال پولادی، تهران: مرکز.
- هاشمی خویی، میرزا حبیب الله، (۱۴۰۰ ق.)، *منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه*، به همت حسن حسن زاده آملی، و محمدباقر کمره ای، تصحیح ابراهیم میانجی، تهران: مکتبه الاسلامیه.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، (بی تا)، *تاریخ الیعقوبی*، بیروت: دار صادر.
- Wagner, E., (1980), "Munāzara", in: *EI²*, vol. VII, Edited by: P. Bearman, Th. Bianquis, C.E. Bosworth, E. van Donzel, W.P. Heinrichs. Pp. 565-68.